

# Karim Amiri Firuzkuhi: A Distinguished Poet in the Field of Contemporary Iranian History and Literature

1. Hossein. Piri

2. Hamid. Tabasi\*

3. Mohammad. Fatehi

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

Email: hamidtabasi@yahoo.com

Received: 03.11.2023

Acceptance: 01.02.2024

*Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
contemporary history*

eISSN: 2980-9770

<http://journalspsich.com>

Vol. 2, No 3, Pp: 331-342

Autumn 2023

Original research article

## How to Cite This Article:

Piri, H., Tabasi, H., & Fatehi, M. (2023). Karim Amiri Firuzkuhi: A Distinguished Poet in the Field of Contemporary Iranian History and Literature, *spsich*, 2(3): 331-342.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

Karim Amiri Firuzkuhi, a prominent poet and thinker of contemporary Iran, known as Amiri and titled as Sayyid al-Shu'ara, undoubtedly stands among the peaks of modern knowledge and literature, and is considered one of the outstanding figures of our time. Understanding and introducing him in passing is an impossible task. Perhaps the best testament to Amiri's scholarly and literary identity is his aforementioned works, which necessitate extensive research and deep investigation. His poetry was exceptionally powerful and poetic, characterized by creativity, thematic innovation, and vivid imagery. One of Amiri's achievements is being recognized by the esteemed leader of the revolution, Ayatollah Khamenei, as one of the finest contemporary poets, hence bestowed with the title Sayyid al-Shu'ara. Professor Amiri has also been consistently praised for his eloquence in the discourse of poetry and literature. Especially in ghazal poetry, his refined language places him among the distinguished poets of our time, even regarded as a reviver of the Indian style in contemporary era. Coming from a renowned family lineage, Amiri is acknowledged among contemporary orators as a prominent figure possessing all the qualities of a first-rate poet.

**Keywords:** Amiri Firuzkuhi, history, literature, contemporary, Iran.

# کریم امیری فیروزکوهی؛ غزلسرایی نامدار در عرصه تاریخ و ادبیات معاصر ایران

حسین پیری<sup>۱</sup>  
حمید طبسی<sup>\*۲</sup>  
محمد فاتحی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران  
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران  
۳. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

hamidtabasi@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ | ایمیل:

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲

## چکیده

شاعر و متفکر بزرگ معاصر، استاد امیری فیروزکوهی، مختلص به امیر و ملقب به سید الشعراء بی تردید از قله های رفیع دانش و ادب معاصر و از مفاخر کم نظیر روزگار ما محسوب می شود. شناخت و معرفی ایشان از این رهگذر، امری ناممکن است. شاید بهترین سند هویت علمی و ادبی امیر همان آثار نامبرده می باشد که آن هم مستلزم تحقیق و تعمیق بسیار است؛ چرا که ایشان قریحه ای بسیار توانا و شاعرانه داشت و به قوه ابتکار و مضمون آفرینی و تصویر پردازی نیز مجهز بود. از افتخارات امیر همین بس که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت اله خامنه ای، ایشان را یکی از بهترین غزل سرایان زمان معاصر معرفی و و به سیدالشعراء ملقب می نمایند. استاد امیری، در کلام سخن سنجان شعر و ادب نیز همواره به بزرگی یاد شده است. لطف کلام امیری فیروزکوهی به خصوص در غزل، او را از شاعران ممتاز در این قالب در عصر حاضر قرار داده است؛ به طوری که او را از احیاگران سبک هندی در دوره معاصر می دانند. امیری که از خاندانی صاحب نام بود، در میان سخنوران معاصر چهره ای شناخته شده با تمام ویژگی های یک شاعر تراز اول را دارد.

**کلیدواژه ها:** امیری فیروزکوهی، تاریخ، ادبیات، معاصر، ایران.

## فصلنامه علمی

### مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۹۸۰  
<http://journalspsich.com>  
دوره ۲ | شماره ۳ | صص ۳۳۱-۳۴۲  
پاییز ۱۴۰۲

#### نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

#### درون متن

(پیری و همکاران، ۱۴۰۲)

#### در فهرست منابع

پیری، حسین،، طبسی، حمید، و فاتحی، محمد.  
(۱۴۰۲). کریم امیری فیروزکوهی؛ غزلسرایی  
نامدار در عرصه تاریخ و ادبیات معاصر ایران.  
مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران،  
۲(۴): ۳۳۱-۳۴۲.

### مقدمه و بیان مسئله

کریم امیری فیروز کوهی: (۱۲۸۸-۱۳۶۳ ش) فرزند مصطفی قلی منتظم الدوله، متخلص به امیر، شاعر و ادیب معاصر است که در فرح آباد فیروز کوه به دنیا آمد (امیری فیروز کوهی، ۱۳۸۹، ۱/ نه). نیاکان او از روزگار کریم خان زند تا اواخر حکومت قاجار، از امیران سپاه و سران لشکر بودند و «امیر» جزء اول نام آنان بود (همان، ۱/ نه).

امیری در ۷ سالگی (۱۲۹۵ ش) همراه پدرش به تهران آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سیروس آغاز کرد (امیری، همان، ۱/ چهارده)؛ سپس در مدرسه های ثروت، آلیانس، سلطانی و کالج آمریکایی به تحصیل پرداخت (همان، ۱/ پانزده، هفده) و در ۱۳۰۸ ش تحصیلات رسمی را ناتمام گذاشت (همان، ۱/ نوزده) و به استخدام اداره ثبت اسناد و املاک درآمد (همانجا). امیری تا ۱۳۱۴ ش به فراگیری موسیقی پرداخت، اما در ۲۶ سالگی در پی تغییر حال روحی، موسیقی را رها کرد و به تحصیل علوم قدیم رو آورد و مدت ۶ سال نزد شیخ عبدالنبی کجوری، سیدحسین کاشانی، سیدکاظم عصار، میرزا خلیل کمره ای و سید محمود امام جمعه، ادبیات عرب، منطق، کلام، حکمت و فقه و اصول را آموخت و در نوشتن و سرودن به زبان عربی تسلط یافت (همان، ۱/ بیست و سه - سی و هشت).

امیری پس از کناره گیری از خدمت رسمی دولت در ۱۳۱۹ ش، از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۶ ش سردفتر اسناد رسمی بود و از آن پس به هیچ شغلی نپرداخت (امیری، همانجا).

امیری فیروز کوهی با انجمن های ادبی چون: انجمن ادبی ایران، انجمن ادبی حکیم نظامی و انجمن ادبی فرهنگستان همکاری داشت (همان، ۱/ سی و پنج). وی در تهران درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

امیری از میان ادیبان معاصر با رهی معیری، بهمنیار و محمدعلی بامداد (امیری، همان، ۱/ بیست و یک، بیست و سه، سی و شش)، صادق هدایت، و از موسیقی دانان معاصر با حبیب سماعی، ابوالحسن صبا، عبدالحسین شهنازی و بسیاری دیگر از استادان موسیقی معاشرت داشت (همو، دیوان، ۱/ چهل - چهل و چهار).

از جمله آثار او چاپی او «عفاف نامه، مثنوی در لزوم حجاب»، «مقدمه بر چاپ نسخه ای از دیوان صائب»، «دیوان»، که در دو جلد به کوشش امیر بانو کریمی به چاپ رسیده، و مشتمل است بر غزلیات، منظومه ها، قصاید، قطعه ها و مثنوی ها است.

«حقوق الحق»، «ترجمه مکاتیب نهج البلاغه» و «ترجمه نفس المهموم» از آثار چا نشده او هستند. (امیری، همان، ۱/ چهل و نه).

امیری در ۱۲ سالگی سرودن غزل را آغاز کرد (امیری، همان، ۱/ هجده) و تا ۲۰ سالگی به پیروی از حافظ شعر می‌سرود، اما پس از آشنایی با صائب، شیفته سبک او شد و از این رو، منتقدان معاصر، امیری را در غزل‌سرایی پیرو سبک هندی می‌دانند (آرین‌پور، ۱۳۷۹، ۳/ ۵۳۰)، اما غزل امیری فاقد پیچیدگی‌های سبک هندی و بیشتر نزدیک به شیوه شاعران سبک عراقی است. زبان امیری در غزل پاک، روشن، هموار و اندیشمندانه است.

شیوه سخنوری امیری در قصیده، یادآور جزالت سخن خاقانی، و دلتنگی‌های شاعرانه او یادآور دلتنگی‌های مسعود سعد است. وی در سرودن قصیده، میراث سبک خراسانی و دستاوردهای دوره بازگشت را درهم آمیخته، و قصاید استواری سروده که اغلب بیانگر تألمات اوست. در ستایش اسلام و اهل بیت (ع) (نک: دیوان، ۲/ ۹۰۸، ۹۴۹، ۹۵۸، ۱۰۰۳) سخن او سخته، متکلف و آمیخته به اصطلاحات قرآنی است و در اخوانیت لحنی نرم و پر شور و حال دارد و در مرثیه‌سرایی کلامش صمیمی و پرسوز و گداز است.

قطعه‌های امیری به لحاظ سبک‌شناختی، دنباله قصاید اوست. در مقایسه با قصیده‌ها، مضمون قطعه‌ها، حکمت‌آمیز، و زبان آن‌ها دشوارتر و کهن‌تر است (نک: همان ۲/ ۱۱۱۴، ۱۲۶۳). امیری قالب مثنوی را برای حسب حال برگزیده است. شیوه ترکیب‌سازی امیری در مثنوی، یادآور شیوه نظامی است. منظومه‌های امیری بالغ بر ۳ هزار بیت است. وی در سرودن منظومه‌ها، تمام دقت و وسواس خود را به کار گرفته، و در سایه برخورداری از تنوع قافیه و کثرت ابیات، تصویرهای جدیدی ساخته که حاصل تعامل اندیشه و احساس اوست.

### ویژگی‌ها

اندوخته‌ها و معلومات فراوان که در شعر و شناسی و زبان و ادب فارسی و معارف اسلامی و منطق و حکمت کلام و فقه و اصول و دیگر زمینه‌ها داشت و در مصاحبتش به تدریج معلوم می‌شد در دیوانش نیز به نوعی تاثیر کرده است. درون مایه بسیاری از اشعار امیری نیز اینگونه تاملها (تأثرات و عواطف بشری و کیفیات نفسانی) و درون‌بینی‌هاست. اعتقاد او به دین مبین اسلام و پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نیز در شعرش جلوه گر است. (یوسفی، ۱۴۰۰: ۲۵۶)

آنک آواز نبی از در بطحا شنوید      ذکر حق را ز در افتادن بتها شنوید

(امیری فیروزکوهی، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

لطف تخیل جوهر شعر و از عناصر اصلی آن است. قوه تخیل و تصور در امیری نیرومند و تیز پرداز بود. با توجه به سرو کار داشتن طی سال‌های دراز با شعر و صائب و پیروان وی، نباید استعداد و توانایی امیری را در آفرینش صور خیال و نوآوری‌ها در این باب از نظر دور داشت؛ به علاوه تأمل در انواع مظاهر حیات و در ورای آن‌ها نکته‌های باریک دیدن و اندیشیدن و بیرون کشیدن از ویژگی‌های

طبع و سبک امیری است. در شعر وی هر چیز جلوه‌ای تازه دارد آنگونه که او آن را تصور و احساس کرده و دریافته است.

امیری فیروزکوهی هم قریحه شاعرانه و توانا داشت، هم قوه ابتکار و مضمون آفرینی و تصویر پردازی؛ به علاوه مطالعات فراوان و تامل در آراء و افکار پیشینیان فکر او را ورزیده کرده بود. آگاهی از شاخه‌های فرهنگ ایران نیز افزون بر اینها بود.

### سبک شعری

امیری فیروزکوهی در شعر فارسی تتبع بسیار کرده و مایه‌های فراوان اندوخته بود. زبان شعر او زبانی است زنده و پویا انعطاف و بلیغ...

با آنکه تاثیر سبک مسعود سعد سنائی، ناصر خسرو خاقانی و بیش از همه صائب در جای جای دیوان امیری مشهود است. وی دارای اسلوبی است مستقل، دیوان امیری مشتمل بر انواع شعر و از غزل و قصیده و مثنوی و مستزاد و مسمط و منظومه‌های متعدد به زبان فارسی است و نیز برخی اشعار به زبان عربی.

با آنکه وی بیشتر غزل سروده است، به مسمطها و دوبیتی‌ها ی پیوسته‌ای که آن‌ها را "منظومه" نامیده است بیشتر ابراز علاقه می‌نمود. (یوسفی، ۱۴۰۰: ۲۵۰)

در شعر او شکوه از زندگی و گلایه از روزگار و از ناپایداری زمانه، از ناکامی‌های فردی و رنج و دردهای شاعرانه بسیار برای خواننده بازگو شده است.

امیری فیروزکوهی از احیاکنندگان سبک هندی در دوره معاصر است و شاید بتوان وی را آخرین شاعر بزرگ، به اعتبار گرایش به سنت‌های شعر گذشته، دانست. وی در روزگاری که سبک هندی چندان مورد توجه نبود، به تقلید و پیروی از این شیوه، غزل‌های بسیاری سرود. و با معرفی صائب تبریزی از طلایه‌داران و بزرگترین شاعر سبک هندی، یک قرن و نیم سکوت و فراموشی این سبک را از میان برد و موجب احیای این سبک شد. (همان: ۲۵۱)

امیری علاوه بر غزل که به سبک هندی یا اصفهانی می‌سرود در سرودن انواع قالب‌های شعری هم چون قصیده، مثنوی، دوبیتی و ترکیب‌بند دستی توانا داشت و هنرمندانه از عهده سرایش آن‌ها بر می‌آمد. مهارت امیری در سرودن قصایدی به سبک خراسانی چیزی کم از غزلیاتش نداشت. (آزادبخت، ۱۳۹۶: ۱۷۵)

امیری اگرچه به شاعری شهره شد، در دانش‌های دیگر نظیر علم اصول، فقه، حکمت و منطق هم تبحر داشت. او در کنار ذوق و الهام شاعرانه تمام دانش‌های ادبی را به خوبی می‌شناخت، و به سخن دیگر ادبیات را ادیبانه می‌دانست. از این‌ها گذشته، شعر او با حوادث و زیر و بم‌های زندگی پرغم و رنج او مرتبط و از آن متأثر است. به همین جهت شعر امیری، پیوند تنگاتنگی با واقعیت‌های موجود

در متن زندگی او دارد. ذهن تربیت یافته و خودجوش امیری محتوا را در قالب کلمات موزون به تصویر کشیده و به مخاطب عرضه می کند. محتوایی هم چون ارشاد خلق و سعادت انسان، نوع دوستی و خصلت های انسان دوستانه در جای جای غزلیاتش موج می زند.

شعر امیری عرصه انعکاس دردها و آلام شاعری است که در تمام حالات، دردها و ناکامی های خود را با خواننده در میان می گذارد و چنان صمیمانه با او به گفتگو می نشیند که خواننده ناخودآگاه غرق در صفای بی ریای او می گردد و هم گام با او به اندوهی جانکاه فرو می رود. گله و شکایت از بخت و اقبال، یأس و ناامیدی، شکوه از پیری و ناتوانی از مهمترین مضامین شعر اوست. روح حساس شاعر که در مقابل کژی ها و ناراستی های بداندیشان زمانه آزرده گشته، زبان به شکوه و شکایت می گشاید. از این رو کلماتی مانند «پیری، غم، یأس» در شعر او دارای بسامد بالایی هستند. گذشته از تأثیر امیری از شاعران سبک هندی، روحیه حساس شاعر، ناراحتی های جسمی و مزاجی که همواره او را به بستر بیماری می کشاند در ورود اینگونه مضامین به شعر او نقش اساسی داشته است (همان: ۹۹). این ادیب فرزانه، از پیروان سرسخت سبک و مکتب صائب بود به گونه ای که وی نه تنها این سبک را احیا کرد، بلکه رویکردی زبان شناسی و اندیشه ای در شعر با مراجعه به سبک اصفهانی داشته است. وی همچنین بر دیوان صائب مقدمه ای بسیار طولانی حدود ۱۱۹ صفحه نوشت. همچنین کتاب "دویست و یک غزل صائب" نیز نشانگر تاملات عمیق استاد فیروز کوهی در دیوان صائب است. وی از به کار بردن صفت " هندی" برای این سبک پرهیز می کرد و سبک هندی را سبک "اصفهانی" می نامید. اشعار وی مانند دیگر پیروان سبک صائب سرشار از نازک خیالی ها و مضمون آفرینی است. (آرین پور، ۱۳۷۹: ۱۵۸)

امیری فیروز کوهی به عنوان شاعری دینی هم شناخته می شود. شاعری که مفاهیم دینی را در همان سبک مورد علاقه خود به نظم می آورد و این نگاه دینی، در گونه های دیگر شعرش از نظر مضمون حس می شود در واقع شعر دینی وی با همان تصویرسازی های رایج سبک اصفهانی، شکل می گیرد و رویکرد دوباره به شعر دینی می دهد. شعر گذشتگان در حوزه دین به تحمیدیه و مناقب خلاصه می شود و در دوران ظهور سبک اصفهانی و دوره بازگشت ادبی بیشتر به طرف مرثیه های حماسه کربلا پیش می رود؛ اما در شعر امیری فیروز کوهی، نگاه بازشناسانه به مفاهیم دینی موازی با ستایش بزرگان دین قرار می گیرد، بنابراین باید اذعان کرد که شعر وی نسبت به شاعران دیگر تأثیر تاریخی و آموزشی بیشتری بر شعر دینی داشت. (همان: ۱۶۰)

این شاعر برجسته که قریحه ای شاعرانه و توانا داشت به قوه ابتکار و مضمون آفرینی و تصویر پردازی نیز مجهز بود، همچنین مطالعات فراوان و تامل در آراء و افکار پیشینیان، فکر او را ورزیده کرده بود. با آنکه تأثیر سبک مسعود سعد سنائی، ناصر خسرو خاقانی و بیش از همه صائب در جای جای دیوان

امیری دیده می‌شود. فیروزکوهی در خصوص اعتقاد خود به شاعران پیشین می‌گوید: «هر یک از شعرای ما یا شعرای دنیا به سبب و جهتی، مورد علاقه و توجه من هستند و چنین نیست که یک نفر از ایشان بدل کل از کل واقع شود... اما با همه اینها من به حکم همین تأثیر و انس و عادت، بر سبیل اقلیت نه کلیت به گفته بزرگانی چون امام خاقانی، حکیم نظامی، شیخ اجل و مولانا در مثنوی و صائب تبریزی اصفهانی علاقه و توجهی بیشتر دارم، به ویژه به صائب که گمان می‌کنم به سبب اشتراک در احوال و استغراق در اشعار او به مدتی افزون از چهل سال، علاقه و ارادت من به عشق و فنای در او انجامیده و مرا در این اختصاص انگشت‌نمای خاص و عام کرده است.»

وی دارای اسلوبی مستقل است و در قالب غزل استاد بود، در قصیده نیز مهارت زیادی داشت. قصاید امیری هر کدام به مناسبت‌ها و دلایلی خاصی سروده شده‌اند؛ یکی از قصاید در فروردین ۱۳۶۱ خورشیدی به مناسبت پیروزی ایران بر نیروهای در جنگ مشهور به فتح الفتوح سروده شده است. در گزیده‌ای از این قصیده می‌خوانیم:

ای وطن! ای مفخر من! لطف حقت یار باد  
 لطف حقت یار و دشمن خوار و خواری عار باد  
 ای وطن! ای خاک پاک توتیای چشم ما!  
 توتیای چشم ما در پرده از اغیار باد  
 آنکه خوارت می‌شمرد از طبع خوار خویشتن  
 تا ابد چون آرزوی خواری ما خوار باد  
 و آنکه ما را از سَفه می‌خواند موری در حساب  
 خود چو مرداری شد از ذلت که طعمه مار باد  
 ضربه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را  
 کز نشانش تا ابد صدامیان را عار باد  
 بهر آبی، خاک ما شد عرصه بیداد او  
 مرگ بر بیدادگر، اُف بر جنایتکار باد  
 گرچه صد دام از جنایت بهر ما گسترده بود

خود به دام افتاد و دامش گوری از هر تار باد (امیری فیروزکوهی، ۱۳۸۹: ۷۸)

ترکیب بند را سرشار از احساس می‌سرود. در واقع یکی از برجستگی‌های بی نظیر امیری، اشراف و چیرگی او، بر بیشتر قالب‌های شعری است. او در کنار غزلیات شیوا، قصائد شکوهمند و قطعات بدیع و مثنوی‌های شورانگیز می‌سرود که این همه ویژگی در کنار هم در شاعری به چشم می‌خورد.

قالب‌های اشعار امیری در قلمرو اشعار سنتی و نوین از سبک خاص و برتری ویژه‌ای برخوردار بود. در اشعار این شاعر نامدار به روشنی می‌توان گلابه از روزگار، غم، درد و پیری را مشاهده کرد که البته اشعار او بیشتر در دوران پیری سروده شده اند اما اشعار دوران جوانی او نیز سرشار از غم و اندوه است. وی همچنین در اشعار خود از مسایل مختلف فرهنگی مانند وضعیت هنر، تجمل‌گرایی، موسیقی، مجالس بزم و عزا، پوشش مردم جامعه، ضرب‌المثل‌ها، طب سنتی، باورها و اعتقادات، بازی‌ها و سرگرمی‌ها و به طور کلی مسایل مختلف اجتماعی از قبیل وقایع و اتفاقات اثرگذار بر جامعه، مفاسد اجتماعی، اخلاق اجتماعی، مشاغل و مناصب رایج در جامعه، فقر مردم پرداخته است. (یوسفی، ۱۴۰۰: ۱۶۰)

### انعکاس حوادث تاریخ معاصر در شعر فیروزکوهی

بسیاری امیری فیروزکوهی را تنها یک شاعر و ادیب توانا می‌دانند که هیچ علاقه‌ای به شعر نو نداشت و برای شعر کلاسیک و شاعران آن بیش از شاعران نوگرا احترام قایل بود. با این حال او نسبت به حوادثی که در جهان و پیرامونش اتفاق می‌افتاد، بی‌اعتنا نبود و برخلاف سلیقه‌ی کهن شعری‌اش بسیار نواندیش بود.

او قصیده‌ی ۴۸ بیتی درباره‌ی فرود آمدن سفینه‌ی امریکایی بر کره‌ی ماه سرود با این مطلع:

بینید که راز فلک از پرده درآمد

وان پرده‌نشین فلکی، پرده درآمد

قصیده‌ی (نشید شادی) را در تحسین از ابراز شهامت و فداکاری بانویی فلسطینی در ۵۳ بیت سرود با مطلع:

ان جا غزاله‌ای بین خورشید در حبالش

بام زمین مجالش، شیر غرین غزالش

قصیده‌ی ۳۸ بیتی (ای وطن) را به مناسبت فتح خرمشهر به دست رزمندگان ایرانی در سال ۱۳۶۱ سرود:

ای وطن‌ای مفخر من لطف حقّت یار باد

لطف حقّت یار و دشمن خوار و خواری عار باد

او قصیده‌ی ۴۷ بیتی درباره‌ی جنگ رمضان ۱۹۷۳ میلادی میان مصر و اسرائیل با مطلع زیر دارد:

ای مسلمانان شما را فتح و نصرت یار باد

فتح و نصرت یارتان در صلح و در پیکار باد



قصیده‌ی (قمر من) را در همان سالی که برای اولین بار قمر مصنوعی به آسمان فرستاده شد، خطاب به همسر گرامی و شریک محبوب و وفادار زندگی‌اش سروده و ضمناً در آن وصف جالبی از دختر دانشمندش امیربانو فرموده با مطلع:

ای همسر من، ای زن علوی گهر من  
ای زنده به جان و سر تو، جان و سر من

(امیر) قصیده‌ی طنزی در وصف مرحوم حاج سیدمحمدعلی دریاباری؛ لَله و ملازم همیشگی خود، که گاه گاه (به نحو استمرار!) از فیروزکوه به تهران می‌آمد و در خانه‌ی امیر می‌ماند؛ سروده که در نوع خود ممتاز است. این حاج سیدمحمدعلی دریاباری با همه‌ی سن زیادش، صورتی شاداب و قیافه‌ای پرابهت با محاسنی انبوه که همواره به مدد حنا قرمز خیلی خوش‌رنگی می‌کرد، داشت و لباس روحانی می‌پوشید و بر انگشتان هر دو دست انگشترهای متعددی کرده و شال سبزی بر کمر می‌بست و با آنکه می‌دانست آنچه را می‌گوید بر یخ می‌نویسد و کسی آن را نمی‌پذیرد، بی‌هیچ پروایی بر (اقا) و اهل خانه می‌فرمود! قصیده‌ی امیر در وصف او به راستی شاهکاری در هزل و مطایبه است با مطلع:

پیرانه‌سر از آتش سنین

دارم سقری سخت آتشین! (امیری فیروزکوهی، ۱۳۸۹: ۹۸)

### امیری فیروزکوهی در نگاه دیگران

آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های جوانی به انجمن ادبی فردوسی پیوست که عده‌ی‌شان هرچند اندک بود، تبحرشان در نقد و حلاجی شعر بی‌مانند بود. جلسه‌های انجمن در هفته یک شب و در منزل عبدالعلی نگارنده، برگزار می‌شد. شاعران این انجمن عمدتاً مسحور صایب تبریزی بودند و اشعار شاعران مکتب عراقی- سبک رایج روزگار- برای‌شان حلاوتی نداشت. ایشان نیز تحت تاثیر مضمون‌پردازی‌ها و نازک‌اندیشی‌های سبک هندی قرار گرفت و از آن حظ بیش‌تری برد. همین شیفتگی موجب شد، امیری فیروزکوهی، بزرگ‌ترین شاعر این سبک در ایران را در تهران، پیدا کند و دوستی دیرپایی بین‌شان صورت یابد. امیری فیروزکوهی همیشه از هوش آیت‌الله خامنه‌ای در دریافت پیچیدگی و ظرایف و طرایف شعر- خاصه شعر سبک هندی - با تحسین توأم با حیرت یاد می‌کرد و بارها به غلامرضا قدسی گفته بود: «ایشان بزرگ‌ترین شعرشناس ایران است».

مقام معظم رهبری در جلسه‌ای با شاعران جوان با اشاره به بزرگی امیری از ناشناخته بودن او در میان شاعران جوان این‌گونه یاد کردند: «یک شاعری مثل مرحوم امیری فیروزکوهی که حقاً در قله‌ی غزل زمان خودش قرار داشت، بیش‌ترین تجلی و نمایشی که از او می‌شد مشاهده کرد، در

یک جلسه‌ی خصوصی بود که در گوشه‌ی انزوای خودش، چهار تا، پنج تا دوست و رفیقش باشند و او غزل خودش را بخواند».

استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی که تا پایان عمر امیری فیروزکوهی همراه و دوست نزدیک او بود در مقاله‌ای که به مناسبت دهمین سالگرد درگذشت امیری فیروزکوهی نوشت او را این‌طور توصیف کرد:

«بزرگان شعر و ادب پارسی معاصر، امیر را در قصیده‌سرایی تالی حکیم خاقانی و در غزل‌سرایی ثانی صایب شمرده و شناخته‌اند و این شهادت و اظهارنظر خود را در طی قصاید و قطعات و غزلیات و مثنویات و یا مکاتباتی به (امیر) تقدیم داشته‌اند که امیر بعضی از آن را ضمن (اخوانیات) یا (جوایباتی) پاسخ فرموده است».(مهدوی دامغانی، ۱۳۷۳: ۲۵)

سیدعلی موسوی گرمارودی شاعر و منتقد ادبی، در ارزیابی ادبیات معاصر گفت: «استاد بزرگوار ما امیری فیروزکوهی می‌گفت، رهی معیری زمانی که یک غزلی می‌سرود، ۶ ماه روی آن کار می‌کرد، یک غزل ۷ بیتی را حسابی صیقل می‌داد، کلمه‌ها را جابه‌جا و کلمه‌های بهتر را پیدا می‌کرد، تا در نهایت غزل را به اتمام می‌رساند. شاعران جوان معاصر نیز باید از اساتید زبان و ادب فارسی الگو بگیرند».

شاعران و اندیشمندان بسیاری در سوگ او سرودند از جمله دکتر سیدعلی محمد سجادی، سهیل محمودی، مهرداد اوستا، محمد ابراهیم گودرزی(شاهد)... که از آن میان به دو بیت از صفا لاهوتی اکتفا می‌کنم:

دامان شفق به داغ او گلگون شد  
 پیمانه‌ی لاله از غمش پرخون شد  
 در سوگ (امیری) دل ارباب ادب  
 خون گشت وز دیده‌ی سخن بیرون شد

### فعالیت‌های آموزشی

سید کریم امیری فیروزکوهی از سال ۱۳۵۰ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در دوره لیسانس تدریس می‌کرد. از جمله دیگر فعالیت‌های او نوشتن مقدمه بردیوان صائب تبریزی بود که این امر را برخواسته آثار و مفاخر فرهنگی نوشته است (امیربانو کریمی، ۱۳۸۱: ۱۷).

از آثار قلمی امیر به نثر، حواشی و تعلیقات بسیار است بر کتب کلامی و فلسفی و متون رجالی و ادبی و ترجمه کتاب نفس المهموم محدث قمی رحمت الله یعنی بهترین و صحیح‌ترین کتب در روایات درست از وقایع کربلا و مقتل حضرت سید الشهداء (ص) و ترجمه مکاتیب نهج البلاغه که

هنوز نظم و ترتیب نیافته آماده چاپ نشده است و نیز مقالات تحقیقی و ادبی و لغوی و شعری در اکثر جراید و مجلات طهران در زمان حیات شاعر (همان: ۲۰).

### نتیجه‌گیری

امیری فیروزکوهی به لحاظ سروده‌های نغز و غزل‌های زیبا و روانش، مورد تحسین اهالی جامعه روزگار خود قرار گرفت. وی تخلص امیر را برای خود برگزید و در سبک هندی، استادانه غزل می‌سرود و به عنوان طرفدار این سبک شعری شهرت یافت. بر مبنای همین شهرت و نیز ارادتی که به شعر صائب تبریزی - از طلایه داران سبک هندی - داشت، به تصحیح دیوان صائب تبریزی پرداخت و با نوشتن مقدمه‌ای بر آن، در تهران آن را منتشر ساخت.

تنوع مضامین شعری در دیوان امیری فیروزکوهی بسیار است و او با روحیه حساس و نکته‌سنج و با احاطه ژرفی که بر فرهنگ و زبان و ادب ایران داشت، در هر موضوع و مضمونی که ورود کرده از عهده پرورش معانی برآمده است. عمده ترین مضمون در دیوان امیری به ویژه در شکل غزل در بیان حالات و جلوه‌های گوناگون عشق است، خواه این عشق تنانه باشد و خواه در هاله‌هایی از اندیشه‌های عرفانی به سبک و سیاق شاعران سبک‌های عراقی و هندی فرو رود. افزون بر این، شاعر گاه برحسب ارادتی که به پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) دارد به شعر آیینی روی آورده و گاه نیز در نقد زمانه و مردمش شکواییه‌هایی سروده است.

بخشی دیگر از مضامین شعری امیری متأثر از وقایع و رویدادهای تاریخی است؛ بسیاری از شعرهای او به ویژه در شکل‌های قصیده و قطعه در یادکرد و رثای شاعران، ادیبان و هنرمندان معاصر است که شاعر با آنان انس و الفتی داشته است. افزون بر این، بخشی دیگر از این دست سروده‌های او به انقلاب و پایداری اختصاص یافته و شاعر به یاری ذهن خلاق و آفرینشگر خود، تصاویری موجز در این موضوعات به مخاطب عرضه کرده است.

### منابع و مأخذ

- آراین پور، یحیی. (۱۳۷۹). *از صبا تا نیما*. تهران: انتشارات زوار.
- آزادبخت، فروزان. (۱۳۹۶). *دیگری، بررسی تحلیلی جریان های شعر معاصر ایران*. تهران: انتشارات پایا.
- امیری فیروزکوهی، کریم. (۱۳۶۳). *با یاد استاد امیری فیروزکوهی*. هنر، (۷)، ۲۴۲-۲۵۱.
- امیری فیروزکوهی، کریم. (۱۳۷۱). *در حق صائب، صائب و سبک هندی*، به کوشش محمدرسول دریاگشت. تهران: قطره.

- امیری فیروزکوهی، کریم. (۱۳۸۹). **دیوان امیری فیروزکوهی/به کوشش امیربانوی امیری فیروزکوهی** (مصفا). تهران: زوار.
- باقری، ساعد و محمودی، سهیل. (۱۳۸۹). **یادگار گل سرخ**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جمشیدی بروجردی، محمدتقی. (۱۳۷۲). **علل ریشه ای درگیری های مسلمانان و هندوها**.
- کریمی، امیربانو. (۱۳۸۱). **صائب و پدرم امیری فیروزکوهی**. فرهنگ اصفهان.
- مهدوی دامغانی، احمد. (۱۳۷۳). **دهمین سالگرد درگذشت امیری فیروزکوهی**. ایران شناسی، شماره ۲۳.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۴۰۰). **چشمه روشن**. تهران: انتشارات علمی.